

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۹۲، زمستان ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.329682.1152

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان: مطالعه موردی شهرستان جوین

حمدااله سجاسی قیداری^۱، رقیه کلاته میمری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

چکیده

در ادبیات علمی کارآفرینی، «آموزش» به‌عنوان ابزاری بسیار مهم برای افزایش مهارت‌های کارآفرینی معرفی می‌شود. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان بود؛ و بدین منظور، از روش توصیفی-تحلیلی به شیوه مطالعه اسنادی و پیمایشی در روستاهای شهرستان جوین استفاده شد. جامعه آماری پژوهش صد نفر از کارآفرینانی بودند که دوره‌های مهارت‌آموزی

۱- نویسنده مسئول و استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(ssojasi@um.ac.ir)

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(r.kalateh73@gmail.com)

فنی و حرفه‌ای را گذرانده بودند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آزمون تی (t) تک‌نمونه‌ای و رگرسیون استفاده شد. نتایج آزمون t نشان داد که مهارت فنی (با میانگین ۲۰/۹۳) نسبت به بقیه مهارت‌ها از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است؛ به دیگر سخن، پاسخ‌گویان در دوره‌های آموزشی از مهارت‌های فنی رضایت بیشتری داشتند، که هم‌راستا با رسالت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای است. همچنین، بررسی رابطه متغیرهای پژوهش نشان داد که بین متغیرهای مدت دوره‌های آموزشی، تعداد دوره‌های آموزشی و مهارت‌های کارآفرینانه رابطه معنی‌دار وجود دارد، به گونه‌ای که با افزایش مدت و تعداد دوره‌های آموزشی، مهارت‌های کارآفرینانه افزایش می‌یابد. افزون بر این، مقدار ضریب همبستگی متغیرها ($R=0/733$) نشان داد که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی قوی وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در افزایش مهارت‌های فنی روستاییان علاقه‌مند به شرکت در این دوره‌ها تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های کارآفرینانه، کارآفرینی روستایی، جوین (شهرستان).

مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است (Najjarzadeh et al, 2017). در این راستا، برطرف ساختن مشکلات اقتصادی یکی از اولویت‌های اساسی توسعه روستایی است، زیرا به دلیل بیکاری بالا و تنوع شغلی پایین در مناطق روستایی، برای رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه و نیز کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، لازم است که به مقوله توسعه کارآفرینی روستایی توجه شود

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

(Heilig, 2009). امروزه، کارآفرینی به‌عنوان پدیده‌ای نوین در اقتصاد نقش مؤثری را در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها ایفا می‌کند و در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار، دارای نقش کلیدی است. کارآفرینی می‌تواند در جوامع روستایی، از طریق افزایش شغل و درآمد، ایجاد ثروت و بهبود وضعیت زندگی روستاییان و در نتیجه، جلوگیری از مهاجرت آنها، مؤثر باشد (Niskanen, 2007)؛ همچنین، تمام برنامه‌ریزان، از جمله اقتصاددانان برنامه‌ریز روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند که تشویق روستاییان برای گرایش به کارآفرینی مناسب‌ترین راهبرد برای پاسخ‌گویی به چالش‌های ویژه اقتصادی و کاهش فقر در مناطق روستایی است (Kolagar and Aghaei, 2014). توسعه کارآفرینی نیازمند نیروهای کارآفرین است و از این رو، آموزش کارآفرینی به‌ویژه اهمیت دارد. آموزش کارآفرینی یک فرآیند آگاهانه و هدفدار است. در خلال آموزش از طریق دانش و اطلاعات مورد نیاز، به افراد دارای توان کارآفرینی کمک می‌شود تا مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای کارآفرینی را کسب کنند. هدف کلی آموزش کارآفرینی تربیت افراد خلاق، نوآور و متکی به خود با تمایل به راه‌اندازی یک کسب‌وکار مستقل است. تاکنون، مطالعات متعددی در حوزه کارآفرینی و آموزش کارآفرینی انجام شده، که خلاصه‌ای از برخی مطالعات مرتبط و نتایج آنها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

نتیجه	عنوان	محقق
نتایج به‌دست آمده از رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: زنان روستایی را تبیین کرده‌اند.	تأثیر عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: زنان روستایی را تبیین کرده‌اند.	یعقوبی فرانی و همکاران (Yaghoubi Farani et al., 2013)
بر پایه یافته‌های این پژوهش، سازوکارهای مالی-تسهیلاتی، حمایتی، آموزشی، مدیریتی و ارتباطی از جمله مهم‌ترین سازوکارهای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌شمار می‌روند.	تحلیل سازوکارهای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (مورد مطالعه: کسب‌وکارهای کوچک و متوسط قزوین)	کریمی و همکاران (Karimi et al., 2014)

نتیجه	عنوان	محقق
برای سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی، از ده معیار استفاده شد که بر اساس نتایج دست آمده، روستاهای نصرآباد، قرن آباد و مریم آباد از بهترین وضعیت برای توسعه کارآفرینی برخوردارند.	سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی (دهستان استرآباد جنوبی)	نجفی کانی (Najafi) (Kani, 2015)
رابطه آموزش مهارت‌های کارآفرینی با انگیزش، خودکارآمدی و عزت نفس مثبت و معنی دار است؛ همچنین، رابطه بین متغیرهای عوامل مدیریتی و عوامل فنی با متغیر توسعه مهارت‌های کارآفرینی مثبت و معنی دار ارزیابی شده است.	بررسی نقش مهارت‌های کارآفرینی در توسعه اشتغال زنان روستایی	زرعت‌پیشه و همکاران (Zeratpisheh et al., 2015)
عوامل مربوط به کارآفرینی شامل میزان سرمایه‌گذاری، متوسط سود خالص، میزان سال‌های تجربه و میزان تولید بر انگیزه کارآفرینی تأثیرگذار است.	عوامل انگیزشی، آموزش و کارآفرینی: مطالعه‌ای با توجه به کسب و کارهای کوچک زنان	کالیانی و کومار (Kalyani and Kumar, 2011)
انگیزه‌های توسعه اقتصادی ایالتی اغلب کارآفرینان و شرکت‌های کوچک را به سمت رشد هدایت می‌کند. اما افراد کارآفرین می‌توانند بنا به ضرورت، برای اقتصاد روستا مهم باشند. در نتیجه، باید سیاست‌های توسعه اقتصادی در راستای حمایت از نیاز کارآفرینان به‌ویژه زنان در مناطق روستایی اتخاذ شود.	کارآفرینی روستایی در زمان رکود اقتصادی	فیگوئروا-آرمیوس و همکاران (Figuroa-Armijos et al., 2012)
این مطالعه به بررسی نحوه کارآفرینی روستایی با مکان و فضا پرداخته است و بر پایه یافته‌های پژوهش، دو نوع ایده آل توسعه وجود دارد: اول، کارآفرینی در روستا و دوم، کارآفرینی روستایی. سوابق نشان می‌دهند که فعالیت‌های کارآفرینی با محدودیت درگیر شدن در یک منطق سودآور فضا همراه است. هرچند، هر دو نوع ایده آل توسعه به توسعه محلی کمک می‌کنند، ولی نوع دوم فرصت بهینه‌سازی استفاده از منابع در مناطق روستایی را نیز فراهم می‌کند.	کارآفرینی روستایی یا کارآفرینی در نواحی روستایی - بین مکان و فضا	استفن و همکاران (Steffen et al., 2015)
این مطالعه حاصل انجام نه مصاحبه نیمه‌ساختاری در مناطق روستایی ایرلند، آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا است که از نظر توسعه روستایی، نقش‌های کلیدی کارآفرینان اجتماعی را مشخص می‌کنند؛ این نقش‌ها عبارت‌اند از: فرصت‌گرایی، تسهیل‌گری و معماری شبکه.	نقش کارآفرینان اجتماعی در توسعه مقاصد روستایی	زین و همکاران (Zienn et al., 2018)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج بررسی پیشینه پژوهش، در زمینه کارآفرینی و نقش آن در توسعه روستایی، مطالعاتی صورت گرفته که هر کدام به ابعادی مشخص پرداخته است. با این همه، همچنان نیاز به پژوهش در این زمینه احساس می‌شود. از این رو، با توجه به شناخت از منطقه مورد مطالعه و مشاهده نمونه‌هایی از موفقیت‌آمیز بودن نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه، انجام مطالعه‌ای در این زمینه ضروری می‌نمود، زیرا با توجه به ماهیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، این آموزش‌ها می‌توانند فرصت و بستری مناسب را برای مشاغل کارآفرینانه فراهم کنند و به نوعی منجر به توسعه روستایی شوند. بنابراین، یکی از آموزش‌های مهم و اساسی در بحث کارآفرینی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که در چارچوب یک سازمان مستقل به نام «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای» در کشور، به ارائه انواع آموزش‌های مهارتی، خدماتی و فنی می‌پردازد. این سازمان دارای نقش مؤثر در طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی است و به متقاضیان، خدماتی مطلوب را ارائه می‌دهد (Emami and Saeedi, 2005). در واقع، خصیصه این آموزش‌ها به نوعی پرورش کارآفرین است، بدین معنی که افراد، پس از کسب مهارت و تخصص دانش فنی، قادر خواهند بود که فرصت‌های شغلی مناسب را به دست آورند و یا در نهایت، فرصت شغلی ایجاد کنند. در این میان، با توجه به اهمیت آموزش روستاییان به دلیل سطح پایین دانش و مهارت آنها، توجه به ارائه آموزش‌های مهارتی در شاخه‌های گوناگون کشاورزی، صنعت و خدمات ضروری است. هدف از تحقیق حاضر تحلیل نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه روستایی است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از جمله اقدامات و فعالیت‌هایی است که اگر با مطالعه و برنامه‌ریزی و پیش‌بینی دقیق، به درستی انجام شود، می‌تواند در ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط مقیاس و به طور کلی، در زمینه کارآفرینی مؤثر واقع شود. اگر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به شرایط حاکم بر محیط روستایی و ساختارهای موجود در آن صورت گیرد، می‌تواند موفق به ویژه در راستای توسعه پایدار روستایی باشد. بنابراین، هدف از مطالعه حاضر تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت مهارت‌های

کارآفرینانه روستاییان شهرستان جوین بوده و بر این اساس، پرسش کلی پژوهش این است که «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا چه میزان بر تقویت مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان مؤثر بوده است؟».

مبانی نظری

جهان امروز، با توسعه فناوری و تغییرات گسترده برخاسته از آن، کشورها را ناگزیر کرده است تا از رویکرد «اقتصاد مبتنی بر منابع» به سمت «اقتصاد مبتنی بر دانش» تغییر جهت دهند و از این‌رو، سه محور نوآوری، فناوری و شایستگی در روند توسعه و پیشرفت بسیار اهمیت یابد. بهبود شایستگی‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی و توانمندی‌های یادگیری آنها از طریق آموزش‌های مادام‌العمری چون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مهم‌ترین ابزارهای دسترسی بدین سه محور است (Zeinabadi and Parand, 2013).

مناطق روستایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعدد روبه‌روست که چالش‌های اقتصادی از آن جمله است؛ از این‌رو، به توصیه اندیشمندان، کارآفرینی یک راهبرد مناسب برای برون‌رفت از آن به‌شمار می‌رود. کارآفرینی روستایی را می‌توان «به‌کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا برای خلق فرصت‌های کسب‌وکار» دانست؛ به دیگر سخن، کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی به‌منظور تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی، کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی است و درعین حال، ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود (Faraji Sabokbar et al, 2011). در اصل، کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد؛ فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن مخاطره، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی با سایر نواحی و فعالیت‌ها متفاوت باشد. در مناطق روستایی، با وجود افراد خلاق، نوآور و کوشا، هنوز سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه

نشده است، زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگون مانند آشنا نبودن یا نپذیرفتن و نیز تأمین مالی کشاورزان، اطمینان نداشتن از عدم سرقت ایده‌ها، نبود دورنمایی مشترک از نوآوری، وجود تنش و نارضایتی، انزوای مدیریت ارشد، دسترسی نداشتن به اطلاعات موثق و شفاف، ساختار مکانیکی، فقدان فرهنگ حمایت از کارآفرینی، فاصله از بازار و خدمات، گسستگی‌های درونی میان جامعه روستایی، همه و همه، سبب اندک بودن تعداد افراد کارآفرین در بین روستاییان شده‌اند (Faraji Sabokbar et al, 2011). بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، کسب و کارهای کوچک مقیاس می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای رسیدن به کارآفرینی باشد. کسب و کارهای کوچک مقیاس، به دلیل تغییراتی که در ساختار کلی بازار ایجاد می‌کنند، منجر به افزایش توانایی تولید می‌شوند؛ و از این رو، می‌توان گفت که نقشی مهم و کاربردی در بهبود وضعیت اقتصادی روستاها دارند.

کسب و کارهای کوچک و متوسط بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند تحول و دگرگونی در بازار روبه‌گسترش دنیای امروز به‌شمار می‌روند و در ابداع شیوه‌های جدید منتج به تغییرات فناوری و افزایش توانایی تولید نقش مهمی ایفا می‌کنند. می‌توان گفت که چنین واحدهایی در جست‌وجوی تغییر و تحول و رقابت هستند، چون در حال دگرگون کردن ساختار کلی بازارند (Zoltan, 2004). همچنین، ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط سیاستی مهم در ایجاد مشاغل جدید، تسریع در بهبود اقتصادی و رشد کشورها به‌شمار می‌رود و از این رو، باید بدین کسب و کارها، به‌ویژه توجه شود، چرا که قادرند خود را با محیط امروزی وفق دهند و همچنین، ساختار آنها امکان تطبیق با تغییرات و تحولات گسترده و همه‌جانبه را فراهم می‌سازد و حفظ و بقایشان را امکان‌پذیر می‌کند (Garavan and Cinneide, 1994). در ایران نیز کسب و کارهای کوچک و متوسط نقش به‌سزایی در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. بر اساس گزارش سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، حدود نود درصد بنگاه‌های اقتصادی کشور را بنگاه‌های با کمتر از پنجاه نفر کارمند تشکیل می‌دهند. با توجه به اندازه کوچک روستاها، شمار شاغلان هر کدام از کسب و کارهای کوچک مقیاس اغلب بین ده تا بیست

نفر است و با توجه به غالب بودن فعالیت‌های کشاورزی و کارگاهی، این واحدها از کارآیی خاصی برخوردارند. با توجه به تغییرات عصر کنونی و ورود به جامعه اطلاعاتی، کسب‌وکارهای روستایی نیز دچار تغییر و تحول شده‌اند و انواع کسب‌وکارهای خدماتی، تولیدی، صنعتی و فناوری اطلاعات در آنها دیده می‌شود. اما باید توجه داشت که توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه مستلزم برخورداری از مهارت‌های لازم است که از طریق آموزش، امکان‌پذیر خواهد بود.

از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است. مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب‌شده، دارندگان آن را برای به‌دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث شده است که از دیرباز، در بیشتر کشورهای جهان، حتی در نظام‌های تعلیم و تربیت آنها، در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع شوند (Salimi, 2014). از جمله این کشورها می‌توان از هند نام برد که از زمان شروع برنامه‌ریزی در این کشور در سال ۱۹۵۰ تاکنون، دولت همیشه بر افزایش فرصت‌های اشتغال و در نهایت، ریشه‌کنی بیکاری از کشور تأکید داشته است. بدین منظور، سرعت بخشیدن به نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و افزایش سطح بهره‌وری از اهداف اولیه پنج برنامه پیاپی این کشور بوده است. با این وجود، نرخ بیکاری در میان جوانان به دلیل کمبود امکانات افزایش یافته و از این رو، کشور به اجرای سیاست‌های دیگری که اغلب آنها بر اشکال مختلف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متکی بوده و از آن جمله روش‌های مهم پذیرش حرفه‌گرایی در آموزش متوسطه در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ پرداخته است. از اهداف طراحی شده برای سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ سوق‌دهی ۱۰ تا ۲۵ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی به مطالعه در زمینه‌های حرفه‌ای فراتر از دریافت گواهی امتحانات دبیرستان بود. از دیگر اهداف این طرح عبارت بودند از بهبود قابلیت‌های شغلی در دانش‌آموزان، کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

نیروی انسانی ماهر و ایجاد یک جایگزین برای کسانی که آموزش‌های عالی را بدون هدف خاصی دنبال می‌کردند (Mourshed et al, 2013).

بر اساس یافته‌های مطالعه‌ای در کشور آمریکا، ۸۳ درصد از پاسخ‌گویان در نمونه آماری مردان بر این باور بودند که باید مدارس روی آمادگی کاری دانش‌آموزان بیشتر تأکید کنند. در پاسخ به سؤال دیگری در مورد جایگاه و عملکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۷۶ درصد پاسخ‌گویان بر این باور بودند که باید بدین آموزش‌ها توجه بیشتری شود؛ نود درصد آنها قبول داشتند که دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی امکان دریافت دستمزدهای بالاتری را خواهند داشت؛ ۹۲ درصد موافق بودند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاقه‌افراد به ادامه تحصیل در سطوح بالای حرفه‌ای ارتقا می‌بخشد؛ ۹۸ درصد آنها آموزش‌های استاد-شاگردی و کارآموزی در محیط‌های کاری را برای فراگیران ضروری دانسته و فقط چهار درصد آنها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فاقد جایگاه شغلی بالا منظور کرده بودند (Badawi, 2011).

بر اساس توصیه یونسکو، همه کشورها باید یک خط‌مشی منسجم آموزشی داشته باشند که در آن، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب یک بخش اساسی از این نظام یکپارچه دید شده باشند (UNESCO, 2011)؛ این در حالی است که از جمله مشکلات مطرح‌شده در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای مشخص نبودن الگوی توسعه کشور و در نتیجه، نامشخص بودن جهت‌گیری مناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌ویژه در کشور ماست.

آموزش کارآفرینی و مهارت‌افزایی روستاییان

از آنجا که آموزش کارآفرینی تأثیری به‌سزا بر نگرش کارآفرینانه افراد در سطوح مختلف جامعه دارد، این‌گونه آموزش‌ها از جمله فرآیندهای نیازمند برنامه‌ریزی و ارزیابی است (Shekari and Heidarzadeh, 2011). بدین منظور، می‌توان از ویژگی‌ها و شاخص‌های متعدد مؤثر بر کارآفرینی را در ابعاد مختلف نظیر اشتغال‌زایی، توسعه اقتصادی و کاهش فقر بهره جست. برخی از مهمترین این ویژگی‌ها و شاخص‌ها عبارت‌اند از چارچوب‌های قانون‌گذاری،

فناوری‌های تحقیق و توسعه، قابلیت کارآفرینی، فرهنگ، دسترسی به منابع مالی، شرایط بازار و... (Volkman et al, 2009)، زیرا در عصر حاضر، «مهارت» منجر به تأثیری به‌سزا در انجام مطلوب و بهینه کارها، ایجاد رضایت‌مندی و ارتقای انگیزه در افراد می‌شود که درنهایت، توسعه منابع انسانی و افزایش بهره‌وری را به‌دنبال دارد و یکی از زیرساخت‌های اساسی کارآفرینی است. در سال‌های اخیر، توجه به کیفیت و گسترش آموزش‌های مهارتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، به‌منظور تربیت سرمایه‌های انسانی خلاق و ماهر، رشد چشمگیری داشته است. آموزش مهارتی ناظر به آموزش‌هایی است که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب‌وکار آماده می‌کند و کارآیی وی را در انجام وظایف شغلی افزایش می‌دهد (UNESCO, 2008). کارآفرینان باید خود را مجهز به مهارت‌های گوناگون کنند و این مهارت‌ها را در طول زمان ارتقا دهند و همچنین، با استفاده از آموزش، به ارتقای مهارت‌ها و دانش خود پردازند و خود را برای چالش‌ها و رقابت‌های جهانی آماده کنند.

باتوجه به اهمیت کارآفرینی، یکی از روش‌های پذیرفته‌شده برای ترویج و گسترش مهارت کارآفرینی آموزش کارآفرینی است که «شواهدی روبه‌رشد از تأثیر مثبت آموزش کارآفرینی در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد» (European Union, 2012). آموزش کارآفرینی را می‌توان از عوامل اصلی توسعه قابلیت‌های ایجاد ارزش اقتصادی دانست. این آموزش‌ها ابزاری کارآمد برای دولت‌ها و دانشگاه‌ها در راستای توسعه اقتصاد دانش‌محور است. این نوع آموزش به‌ویژه می‌تواند در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤثر باشد. در این راستا، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، با توجه به نقش آن به‌عنوان مهم‌ترین متولی آموزش‌های رسمی مهارت در کشور، با مد نظر قرار دادن آموزش کارآفرینی در قالب یک برنامه درسی، با استفاده از نظر متخصصان سازمان و دانشگاه‌ها، به تهیه و تدوین استاندارد این آموزش پرداخته و در راستای اجرای ماده ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، طرح اعتبارسنجی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای دولتی را اجرا کرده است. فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای، با توجه به جنبه آموزشی

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

چندبعدی آن، می‌تواند روی مهارت‌های مختلف فراگیران با ماهیت کارآفرینی تأثیرگذار باشد که از آن میان، برخی از مهارت‌ها در پی تشریح می‌شود.

مهارت شخصی

کنترل و نظم درونی: عقیده فرد نسبت به اینکه وی تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی است یا خیر را مرکز کنترل می‌نامند. کارآفرینان موفق به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند (Ahmadpur Dariani, 2000).

مخاطره‌پذیری: ریسک‌پذیری (مخاطره‌پذیری) به معنی پذیرش و استقبال از خطرات حساب‌شده در کسب و کار بوده و از ویژگی‌هایی است که در اکثر کارآفرینان وجود دارد. نوآوری: نوآوری فرآیند خلق چیزی جدید است که ارزش قابل توجهی برای فرد، گروه، سازمان، صنعت یا جامعه دارد. یکی از ویژگی‌های شرکت و فرد کارآفرین نوآور بودن است. بنابراین، خلاقیت و نوآوری حاصل از آن برای بقا و موفقیت شرکت حیاتی است (Higgins, 2002).

توانایی اداره تغییر: در زمانی زندگی می‌کنیم که روند دگرگونی فناوری‌ها بسیار شتاب گرفته است و موج‌هایی می‌آفریند که همه صنایع را در بر می‌گیرد. برای مقابله با تغییرات عصر حاضر، برنامه‌ریزی‌ها کاری از پیش نمی‌برند و توان پیش‌بینی این گونه دگرگونی‌ها را ندارند. البته این بدان معنی نیست که باید از برنامه‌ریزی دست برداشت، بلکه باید برنامه‌ریزی همانند سازمان‌ها و واحدهای آتش‌نشانی صورت گیرد که نمی‌توانند محل آتش‌سوزی در آینده را پیش‌بینی کنند، ولی گروهی آن‌چنان توانمند و کارآمد آماده می‌سازند که می‌توانند همانند رخدادهای عادی، به هر پیشامد دشوار و پیش‌بینی نشده پاسخ مناسب دهند. بنابراین، کارآفرین نیز باید به همین صورت، توانایی اداره تغییر را داشته باشد و بتواند تغییر جهت باد را تشخیص دهد، مسیر مناسب را برگزیند. این توانایی برای ادامه آینده کار کارآفرین بسیار مهم و حساس است (Grove, 2001).

تغییرمحوری: دانشمندان و نظریه‌پردازان مدیریت و علوم رفتاری بر این باورند که شرایط بیرونی و درونی سازمان (یا شرکت) همواره در حال دگرگونی است. در درون سازمان،

کارکنان تغییر می‌کنند و با خود اندیشه‌ها و دانش‌های تازه می‌آورند (Alavi, 1998). در چنین شرایطی، کارآفرین یا مدیر به‌عنوان عامل تغییر همیشه با مسئله تغییر سروکار دارد، زیرا تغییر مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر است. او باید در مقابل تغییر، نگرشی مثبت داشته و آمادهٔ اعمال تغییر در مواقع لزوم باشد.

پافشاری، مقاومت و پشتکار: افراد موفق به نیروی پشتکار ایمان دارند. اگر به افراد موفق در هر زمینه‌ای بنگریم، می‌بینیم که آنها لزوماً بهتر، باهوش‌تر، سریع‌تر و قوی‌تر از دیگران نبوده، بلکه پشتکار و مقاومت بیشتری داشته‌اند. یک کارآفرین نیز برای موفقیت در کار خود باید پشتکار و مقاومت لازم را داشته باشد (Nazari, 2003).

رهبری دوراندیشی: دوراندیشی، قدرت دیدن همه چیز پیش از به وقوع پیوستن آنهاست پتر دراگر در کتاب خود مهارتی را شرح می‌دهد که یک مدیر و رهبر خوب بدان نیازمند است؛ این مهارت که برای «کنترل آشوب و هرج‌ومرج» و کنترل دوران آشوب ضروری است، همان دوراندیشی است (Barker, 2001).

مهارت مدیریتی

برنامه‌ریزی و تعیین اهداف: برنامه‌ریزی بدین معنی است که مدیر از قبل دربارهٔ هدف‌ها و اقدامات مورد نظر می‌اندیشد و کارها و اقدامات وی بر اساس یک برنامه یا منطق است. برنامه باعث می‌شود که سازمان دارای هدف‌های بلندمدت شود و مدیر برای دستیابی بدان هدف‌ها بهترین رویه‌ها را اتخاذ کند (Stoner et al, 2000).

تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری فراگرد گزینش شیوهٔ عمل خاصی برای حل یک مسئله یا یک مشکل ویژه است. تصمیم‌گیری، برای یک مدیر یا کارآفرین، فعالیتی حساس و پراهمیت است (Hersi and Blanchard, 2000).

روابط انسانی: بر پایهٔ نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در دهه‌های سوم و چهارم قرن حاضر، محیط‌های کار، در واقع، زمینه‌های اجتماعی پیچیده‌اند که در آن، درک و فهم رفتار از طریق توجه به نگرش‌های کارکنان، روابط اجتماعی، ارتباطات غیررسمی و متغیرهای دیگر

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

امکان‌پذیر است. ماری پارکتر فالت معتقد بود که در هر کار جمعی، مسئله مهم ایجاد و حفظ روابط انسانی پویا و هماهنگ است (Alagheband, 1999).

بازاریابی: در فرهنگ واژگان بنت^۱، بازاریابی عبارت است از فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی، قیمت‌گذاری، ترفیع و توزیع ایده‌ها و کالاها و خدمات به منظور خلق مبادله، که اهداف فردی و سازمانی را برآورده می‌سازد. مهارت بازاریابی یکی دیگر از مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینان است (Eslam, 2003).

راه‌اندازی کسب‌وکار: عوامل متعددی مانند دولت، منابع مالی در اختیار فرد، الگوهای نقش و.... در راه‌اندازی کسب‌وکار جدید تأثیر دارند. اگرچه نظام‌های آموزشی از اهمیت ویژه در این زمینه برخوردارند، ولی افراد در راه‌اندازی کسب‌وکار در زمینه‌هایی که قبلاً کار کرده‌اند و تجربه دارند، موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. به‌طور کلی، نباید فراموش کرد که خصلت‌های کارآفرینان ذاتی نیست، بلکه آنها تربیت می‌شوند و این مهارت را می‌توان در آنها ایجاد کرد (Hisrich and Peters, 2004).

مهارت‌های مالی و حسابداری: حسابداری عبارت است از فن ثبت، طبقه‌بندی و تلخیص فعالیت‌های مالی یک مؤسسه در قالب اعداد قابل سنجش به پول، و تفسیر نتایج حاصل از بررسی این اعداد حسابداری را زبان تجارت نامیده‌اند. کارآفرینان، هرچه این زبان را بهتر یاد گیرند، بهتر می‌توانند بر زندگی و کسب‌وکار خود تسلط داشته باشند (Ahmadpour Dariani and Azizi, 2004).

مدیریت: فرآیند مدیریت مربوط به وظیفه‌ای مبنی بر کسب این اطمینان است که فعالیت‌ها به گونه‌ای در حال اجراست و به دستیابی به هدفی معین منجر می‌شود (Pirnia, 2003). کنترل: کنترل عبارت است از توجه به نتایج کار (بازخورد) و پیگیری آن برای مقایسه فعالیت‌های انجام‌شده با برنامه‌ها و اعمال اصلاحات مقتضی در مواردی که انحرافی در انتظارات، صورت گرفته است (Alagheband, 2000). کنترل به کارآفرینان کمک می‌کند که

1. Bennett dictionary

بر اثربخشی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هدایت فعالیت‌ها نظارت داشته باشند (Stoner et al, 2000).

مذاکره: مذاکره یک فرآیند ارتباطی بسیار پیچیده و مهارتی مهم برای موفقیت کارآفرینان است. یک رابطه کاری در چارچوب مجموعه‌ای از توافقات تعریف می‌شود و هر توافقی حاصل یک فرآیند مذاکره است (Hegi, 2003).

مدیریت توسعه: امروزه، دنیای پرآشوب، بازارهای متغیر و شیوه‌های زندگی ناپایدار در برابر مصرف‌کنندگان قرار دارد. برای مقابله با چنین نیروهای متغیری، مدیران امروزی باید توانایی دگرگونی و نوسازی را داشته باشند. مدیریت توسعه روش‌هایی را فراهم می‌آورد که به‌طور منظم، سبب تغییر سازمان و بهبود آن می‌شود. هدف از توسعه و بهبود سازمان اثربخش‌تر کردن آن و افزایش فرصت‌ها برای افراد است تا بتوانند نیروهای بالقوه خود را به فعل درآورند (Harvey and Brown, 1998).

مهارت فنی

مهارت‌های نوشتاری: مهارت نوشتاری، فعالیت یا هنر تنظیم کلمات و حروف بر روی کاغذ، چوب و یا هر چیز دیگر با هدف ثبت افکار و به‌منظور برقراری ارتباط با دیگران است. این نوع ارتباط با علائم مشهود و نمایان نوشته‌شده و یا چاپ‌شده صورت می‌گیرد.

ارتباطات شفاهی یا ارتباطات کلامی: ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال و تبادل اندیشه‌ها، احساسات و عقاید دو یا چند نفر با استفاده از علائم و نمادهای مناسب به‌منظور تأثیر، کنترل و هدایت دیگران. وقتی در جریان ارتباط، پیام‌ها به‌صورت رمزهای کلامی و یا شفاهی انتقال یابند، آن را ارتباط شفاهی گویند، مانند بحث و گفت‌وگوی فرد با فرد یا فرد با گروهی دیگر (Shabani, 1998).

نظارت یا ارزیابی محیط: نظام نظارت و ارزیابی محیط را کاوتس بدین صورت تعریف می‌کند: آشنایی با روند جریان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی و حوادث مهم داخل سازمان یا شرکت؛ همچنین، شناسایی خطرات بالقوه و فرصت‌ها و تغییراتی که آن خطرات

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

به‌طور ضمنی بیان می‌کنند. این نکات باعث درک وضعیت آینده توسط مدیران و کارکنان شده، به سازمان در تعیین راهبردهای آن یاری می‌رساند.

فناوری: مجموعه‌ای از سخت‌افزار و نرم‌افزار است که باید به‌گونه‌ای مناسب ترکیب شود تا تولید کالا و خدمات امکان‌پذیر شود.

مهارت میان‌فردی: مهارت میان‌فردی به توانایی شخص در داشتن رفتاری اثربخش و کارآمد با افراد دخیل در تولید برای رسیدن به اهداف سازمان گفته می‌شود.

مهارت شنیداری: یک کارآفرین، به‌عنوان صاحب یک کسب‌وکار، باید گوش دادن به حرف‌های دیگران را یاد بگیرد، چراکه اطلاعات حاصل از آن بسیار مهم است. او باید همه کارهای لازم برای دریافت معنی و مفهوم مورد نظر گوینده را انجام دهد (Robin, 2003).

توانایی سازمان‌دهی: توانایی سازمان‌دهی مستلزم آن است که منابع (افراد، سرمایه و تجهیزات) به مؤثرترین شیوه برای دستیابی به هدف‌ها فراهم شود. بنابراین، سازمان‌دهی شامل ترکیب و یگانه‌سازی منابع است (Hersi and Blanchard, 2000).

ایجاد شبکه‌های مدیریت (مدیریت مشارکتی): به‌طور خلاصه، مدیریت مشارکتی به معنی درگیر کردن کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری است (Karami and Goodarzi, 2003).

مربیگری: مربیگری، مهارتی است که از آن برای افزایش موفقیت افراد در تیم (گروه) استفاده می‌شود. همچنین، مربی کسی است که افراد را به‌سوی پیشرفت برانگیخته، آنها را راهنمایی و هدایت می‌کند. بر این اساس، کارآفرین باید نقش مربی را برای افراد گروه خود بازی کند. گروه یا تیم ممکن است شامل جمعی از افراد باشد که برای کسب‌وکار، آنها را گرد هم می‌آوریم.

بازیگر و ایفاکننده نقش در تیم (گروه): مهارت‌های تیم‌سازی برای کارآفرینان ضروری است. کارآفرینان به توسعه و تقویت نگرش مثبت و همچنین، اتخاذ روش‌هایی سازمان‌یافته در رهبری نیاز دارند تا بتوانند گروهی منسجم ایجاد کنند که همه کارکنان نسبت به اهداف مشترک برانگیخته شوند و خود کارآفرین نیز باید به‌عنوان عضوی از گروه و همراه با دیگر کارکنان

عضو تیم فعالیت کند. کارآفرینانی که این مهارت را به کار می‌برند، از موفقیت بیشتری برخوردار می‌شوند و در نتیجه، محیط کاری آنها کارآتر خواهد شد (Maddox, 2003).

مهارت انسانی

مهارت انسانی به معنی ایجاد محیط مناسب و مطلوب برای کار از طریق جلب مشارکت گروه‌های انسانی، داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه همکاری و انجام کار به کمک دیگران، فعالیت مؤثر به‌عنوان عضو گروه، درک انگیزه‌های افراد و تأثیرگذاری بر رفتار آنهاست.

مهارت ادراکی

مهارت ادراکی عبارت است از توانایی ذهنی برای درک، تجزیه و تحلیل پیچیدگی‌های محیط و فهم همه عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده کار و فعالیت سازمانی در قالب یک کل واحد (نظام یا سیستم)؛ و به دیگر سخن، توانایی درک و تشخیص اینکه کارکردهای گوناگون سازمان به یکدیگر وابسته‌اند و تغییر در هر کدام از بخش‌ها الزاماً بر بخش‌های دیگر تأثیر می‌گذارد.

مهارت اجتماعی

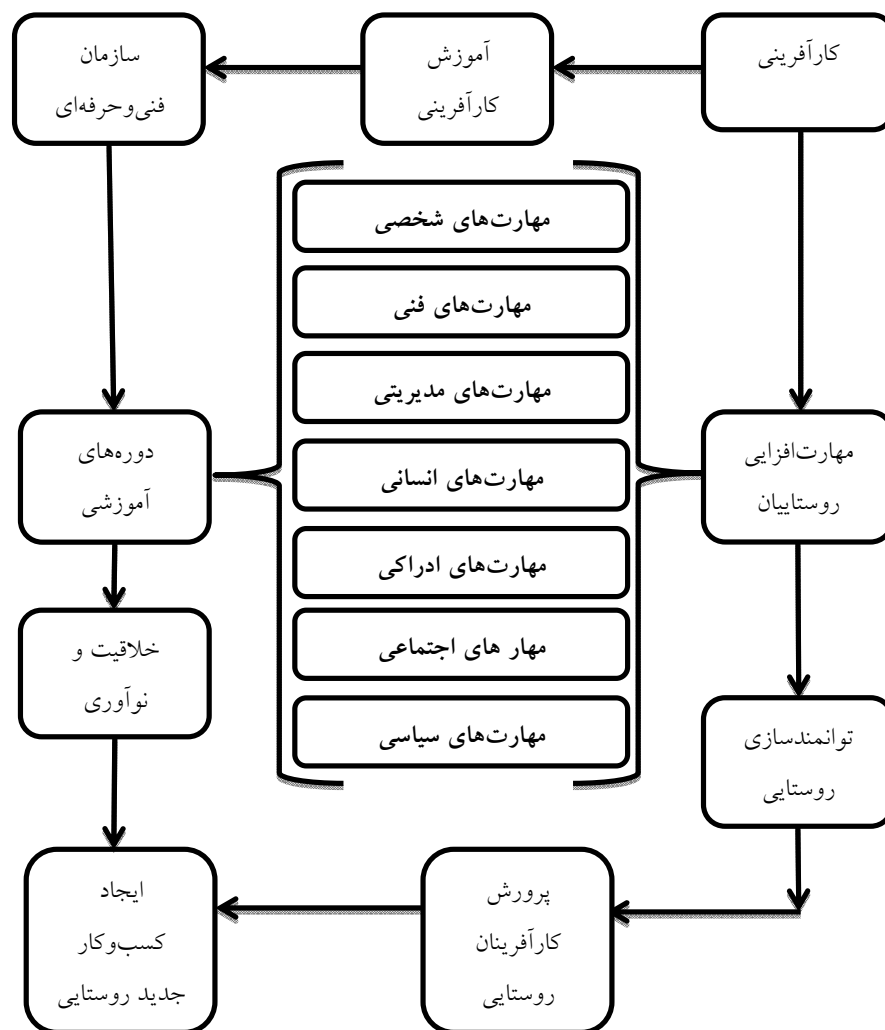
از دیدگاه کارتلج، مهارت اجتماعی عبارت است از رفتارهای انطباقی آموخته‌شده که فرد را قادر می‌سازد تا با افراد دیگر روابط متقابل داشته باشد، و اکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد، اجتناب ورزد. ماتسون مهارت اجتماعی را به‌عنوان رفتارهایی قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری تعریف کرده است که استقلال، قابلیت پذیرش و کیفیت مطلوب زندگی را بهبود می‌بخشند.

مهارت سیاسی

به اعتقاد فریس و همکاران (Ferris et al, 2008)، مهارت سیاسی یک سازه چندبعدی و متشکل از چندین بعد مرتبط با یکدیگر است، که عبارت‌اند از هوشیاری اجتماعی، نفوذ بین‌فردی، توانایی شبکه‌سازی و صمیمیت آشکار.

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

بنابراین، برای ایجاد مهارت‌های کارآفرینی روستایی، نیاز به آموزش است. در واقع، بدون آموزش مهارت به روستاییان، نمی‌توان انتظار ایجاد کسب‌وکار با بازدهی مطلوب را داشت. در صورت عدم آموزش، روستاییان به دلیل عدم آگاهی از مهارت‌ها نمی‌توانند در کار خود موفق باشند؛ و به‌طور کلی، فعالیت آنها منجر به توسعه روستایی نمی‌شوند.



نمودار ۱- مدل مفهومی آموزش مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. داده‌های مورد نیاز پژوهش به دو روش اسنادی (منابع کتابخانه‌ای و مجلات) و روش میدانی (پرسشنامه) گردآوری شدند. به منظور عملیاتی کردن مهارت‌های کارآفرینی، از شاخص‌های موجود در منابع و مطالعات مرتبط پیشین استفاده شده است (جدول ۲).

جدول ۲- شاخص‌های مهارت‌های کارآفرینانه روستایی

مؤلفه‌ها	شاخص‌های مهارت‌های کارآفرینی
مهارت‌های شخصی	کنترل و نظم درونی، مخاطره‌پذیری، نوآوری، توانایی اداره تغییر، تغییر محوری، پافشاری، مقاومت و پشتکار، رهبری دوراندیشی
مهارت‌های فنی	مهارت‌های نوشتاری، ارتباطات کلامی، فناوری، توانایی سازمان‌دهی، مدیریت مشارکتی، نظارت یا ارزیابی محیط، مهارت شنیداری
مهارت‌های مدیریتی	برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، تصمیم‌گیری، روابط انسانی، بازاریابی، راه‌اندازی کسب‌وکار، مدیریت، کنترل، مهارت‌های مالی
مهارت‌های انسانی	ایجاد محیط مناسب برای کار، داشتن توانایی و قدرت تشخیص، فعالیت مؤثر، درک انگیزه‌های افراد، تأثیرگذاری بر رفتار افراد
مهارت‌های ادراکی	توانایی ادراک و تفکر در محیط انتزاعی، ملحوظ داشتن سازمان (جامعه روستایی) به‌عنوان یک کل، تفکر نظام‌مند، تصمیم‌گیری
مهارت‌های اجتماعی	برقراری رابطه متقابل با افراد، بروز واکنش‌های مثبت، اجتناب از رفتارهایی با پیامد منفی، رعایت حقوق و الزامات افراد
مهارت‌های سیاسی	هوشیاری اجتماعی، نفوذ بین‌فردی، توانایی شبکه‌سازی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، برگرفته از مطالعات هگینز (Higgins, 2002)، گرو (Grove, 2001)، علوی (Alavi, 1998)، گروهی از اساتید مدیریت (A group of Management Professors, 2000)، مادوکس (Maddox, 2003)، استونر و همکاران (Stoner et al, 2000)، هگی (Hegi, 2003)، و هاروی و براون (Harvey and Brown, 1998)

برای عملیاتی کردن مطالعه، روستاهای شهرستان جوین به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شد. شهرستان جوین، با جمعیتی معادل ۵۴۴۸۸ نفر (بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵)، در شمال سبزوار واقع شده است. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده افرادی در

تحلیل تأثیر آموزش های فنی و حرفه ای در.....

روستاهای این شهرستان است که دوره های مهارت آموزی فنی و حرفه ای را گذرانده و با استفاده از آن مهارت ها، به ایجاد شغل پرداخته اند. از آنجا که تعداد افراد واجد شرایط جامعه آماری پژوهش محدود بوده و بر اساس آمار سازمان فنی و حرفه ای شهرستان جوین، تعداد آنها به صد نفر می رسد، نمونه گیری از نوع تمام شماری بود و پرسشنامه تهیه شده بین پاسخ گویان توزیع شد. مشخصات روستاهای دارای افراد واجد شرایط جامعه آماری پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- توزیع کارآفرینان آموزش دیده روستایی در شهرستان جوین

روستا	جمعیت	خانوار	تعداد کارآفرین آموزش دیده
کلاته میمری	۱۳۳۹	۴۴۳	۱۲
کلاته عرب	۱۴۴۹	۴۶۰	۱۵
عباس آباد عرب	۱۸۷۶	۵۴۴	۱۵
عباس آباد ملک	۹۵۱	۲۹۲	۱۰
حاجی آباد	۱۹۴۱	۵۶۵	۱۲
زورآباد	۱۹۴۶	۶۰۵	۱۳
نانوا	۱۰۳۰	۳۰۰	۳
ارگ	۷۱۱	۲۰۷	۳
جلمبادان	۵۴۷	۱۹۹	۵
برغمد	۲۴۴۹	۸۳۳	۱۲
جمع	۱۴۲۳۹	۴۴۴۸	۱۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر، گردآوری داده ها با بهره گیری از پرسشنامه طراحی شده بر اساس شاخص های تحقیق در قالب طیف پنج گزینه ای لیکرت صورت گرفت؛ و متغیرهای تحقیق دربرگیرنده «دوره های آموزشی فنی و حرفه ای» (مدت و تعداد دوره های آموزشی) به عنوان متغیرهای مستقل و «مهارت های کارآفرینی» (مهارت های فنی، شخصی و...) به عنوان متغیر وابسته بوده و برای افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسشنامه تدوین شده در اختیار اساتید گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه های

فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس، خوارزمی و شهید بهشتی و همچنین، مدیر مسئول و کارشناسان فنی و حرفه‌ای شهرستان جوین قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آنها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که رابطه‌ای برای برآورد انسجام درونی گویه‌هاست؛ میزان آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر معادل ۰/۷۳ بوده، که عددی مطلوب است و می‌توان گفت که برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه، دقت لازم به کار گرفته شده است و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS به روش‌های آمار توصیفی، آمار استنباطی و رگرسیون صورت گرفت.

نتایج و بحث

از مجموع پاسخ‌گویان در منطقه مورد مطالعه، ۴۸ درصد مرد و ۵۲ درصد زن بودند و میزان تحصیلات ۴۶ درصد آنها فوق دیپلم و لیسانس بود؛ همچنین، بیشترین درصد پاسخ‌گویان (یازده درصد) ۲۸ ساله بودند. از مجموع هشت دوره‌های مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، دوره کاشت زعفران با شانزده درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است (جدول ۴ تا ۶).

جدول ۵- ساعات دوره‌های آموزشی			جدول ۴- نوع کسب و کار راه‌اندازی شده		
درصد	تعداد	ساعات دوره‌های آموزشی	درصد	تعداد	نوع کسب و کار
۱۶	۱۶	۳۰	۱۰	۱۰	تولید و فروش مانتو
۱۳	۱۳	۳۲	۱۲	۱۲	تولید و فروش پرده
۱۵	۱۵	۴۵	۱۶	۱۶	تولید و فروش زعفران
۱۴	۱۴	۱۰۰	۱۵	۱۵	تولید و فروش قارچ
۱۲	۱۲	۱۷۵	۱۴	۱۴	تولید و فروش دام گوشتی
۱۰	۱۰	۱۸۰	۱۳	۱۳	کافی‌نت
۱۱	۱۱	۲۱۶	۱۱	۱۱	تولید و فروش لباس مجلسی
۹	۹	۲۰۰	۹	۹	آرایشگری
۱۰۰	۱۰۰	جمع	۱۰۰	۱۰۰	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

جدول ۶- نوع و تعداد دوره‌های آموزشی

درصد	تعداد	نوع دوره‌های آموزشی
۱۰	۱۰	مانتودوزی
۱۲	۱۲	راسته‌دوزی (پرده)
۱۶	۱۶	کاشت زعفران
۱۵	۱۵	پرورش قارچ
۱۴	۱۴	پرورش دام گوشتی
۱۳	۱۳	مهارت‌های هفتگانه رایانه
۱۱	۱۱	دوخت لباس مجلسی
۹	۹	آرایشگری
۱۰۰	۱۰۰	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای ارزیابی مهارت‌های کارآفرینی منطقه مورد مطالعه، از آزمون تی (t) تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همان‌گونه که نتایج تحلیل در جدول ۷ نشان می‌دهد، با احتساب دامنه طیفی میانگین مؤلفه‌ها که بر اساس طیف لیکرت، بین یک تا پنج در نوسان است، این میزان برای تمامی مهارت‌ها به جز مهارت ادراکی بالاتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون (میانگین طیف لیکرت برابر با عدد سه) است. این تفاوت برای تمامی مهارت‌ها به جز مهارت ادراکی در سطح آلفای ۰/۰۵ معنی‌دار بوده و تفاوت آنها از مطلوبیت عددی نیز به شکل مثبت ارزیابی و برآورد شده است. در آزمون تی تک‌نمونه‌ای، چنانچه حد بالا و حد پایین، هر دو مثبت باشد، بدین معنی است که میانگین جامعه در مورد متغیر بیش از مقدار مورد آزمون بوده و تفاوت میانگین معنی‌دار است. همچنین، منفی بودن این دو مقدار بدین معنی است که میانگین متغیر مورد نظر در جامعه کمتر از مقدار آزمون است و این متغیرها در جامعه مورد بررسی در سطوح پایین قرار دارند. به جز مهارت ادراکی، همه مهارت‌ها از حد بالا و حد پایین مثبت برخوردارند، بدین معنی که میانگین جامعه در این مهارت‌ها بیش از مقدار مورد آزمون است. مهارت ادراکی دارای حد بالا و حد پایین منفی بوده، بدین معنی که میانگین جامعه در این مهارت کمتر از مقدار مورد آزمون است. بنابراین، نتیجه آزمون تی مشخص می‌کند که در میان مهارت‌های

یادشده، مهارت فنی نسبت به سایر مهارت‌ها از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است؛ به دیگر سخن، پاسخ‌گویان در دوره‌های آموزشی از مهارت‌های فنی رضایت بیشتری داشته‌اند و اثرگذاری دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای در زمینه مهارت‌افزایی فنی بیشتر بوده است.

جدول ۷- معنی‌داری تفاوت از حد مطلوب مهارت‌های کارآفرینی

(مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳)

مؤلفه‌ها	میانگین	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت از حد مطلوب	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد پایین	حد بالا
مهارت‌های شخصی	۱۳/۷۷	۵۰/۷۱	۹۹	۰/۰۰۰	۱۰/۷۷	۱۰/۳۵	۱۱/۱۹
مهارت‌های فنی	۲۰/۹۳	۵۶/۵۴	۹۹	۰/۰۰۰	۱۷/۹۳	۱۷/۳۰	۱۸/۵۶
مهارت‌های مدیریتی	۱۹/۱۶	۶۲/۲۸	۹۹	۰/۰۰۰	۱۶/۱۶	۱۵/۶۴	۱۶/۶۷
مهارت‌های انسانی	۹/۳۷	۳۸/۰۸	۹۹	۰/۰۰۰	۶/۳۷	۶/۰۴	۶/۷۱
مهارت‌های ادراکی	۲/۶۵	-۲/۶۹	۹۹	۰/۰۸	-۰/۳۵	-۰/۶۰	-۰/۰۹
مهارت‌های اجتماعی	۴/۰۲	۱۰/۰۵	۹۹	۰/۰۰۰	۱/۰۲	۰/۸۱	۱/۲۲
مهارت‌های سیاسی	۴/۰۵	۹/۲۶	۹۹	۰/۰۰۰	۱/۰۵	۰/۸۲	۱/۲۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه، برای تحلیل اثرات دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی روستایی، از آزمون رگرسیون استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا رابطه متغیرهای مدت دوره آموزش و تعداد دوره آموزش با مهارت‌های کارآفرینی از طریق آزمون همبستگی پیرسون و سپس، تأثیر آنها بر متغیر مستقل با رگرسیون چندمتغیره بررسی شد. چنان‌که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، مدت دوره با آماره پیرسون ۰/۷۱۲ و تعداد دوره با آماره پیرسون ۰/۶۱۵ با مهارت‌های کارآفرینی رابطه‌ای مستقیم با شدت قوی دارد؛ به دیگر سخن، با افزایش مدت دوره و تعداد دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های کارآفرینی هم افزایش می‌یابد. همچنین، با توجه به میزان معنی‌داری به دست آمده، رابطه هر دو شاخص (مدت و تعداد دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای) با میزان مهارت‌های کارآفرینی معنی‌دار است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد.

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

جدول ۸- همبستگی پیرسون بین مدت و تعداد دوره آموزشی با مهارت‌های کارآفرینی

تعداد دوره	مدت دوره	مهارت کارآفرینی	همبستگی پیرسون	مهارت کارآفرینی
۰/۶۱۵	۰/۷۱۲	۱	همبستگی پیرسون	مهارت کارآفرینی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معنی داری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تعداد	
۰/۶۸۸	۱	۰/۷۱۲	همبستگی پیرسون	مدت دوره
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تعداد	
۱	۰/۶۸۸	۰/۶۱۵	همبستگی پیرسون	تعداد دوره
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تعداد	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر، مدت و تعداد دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و سعی بر آن بوده است که رابطه آنها با متغیر وابسته تحقیق سنجیده شود. برای بررسی رابطه خطی موجود بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته، از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. در این روش، به مطالعه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود که به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۷۳۳ بوده، که نشان‌دهنده وجود رابطه همبستگی قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۵۲۷) نشان می‌دهد که ۵۲/۷ درصد از کل مهارت‌های کارآفرینی در بین پاسخ‌گویان وابسته به دو متغیر مدت و تعداد دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای است.

جدول ۹- مدل رگرسیون چندمتغیره مهارت‌های کارآفرینانه

الگو	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۷۳۳	۰/۵۲۷	۰/۵۲۷	۰/۱۷۱۰۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر پایه نتایج جدول ۱۰، با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F (۵۶/۲۰۱) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از دو متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مطلوب است و مجموعه متغیرهای مستقل می‌توانند میزان مهارت‌های کارآفرینانه را تبیین کنند.

جدول ۱۰- تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره میان «مدت و تعداد دوره‌ها» و «مهارت‌های کارآفرینانه»

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۳/۲۸۸	۲	۱/۶۴۴		
باقیمانده	۲/۸۳۷	۹۷	۰/۰۲۹	۵۶/۲۰۱	۰/۰۰۰
کل	۶/۱۲۵	۹۹			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس داده‌های جدول ۱۱، تأثیر دو متغیر مدت و تعداد دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های کارآفرینانه معنی‌دار است. متغیر تعداد دوره‌های آموزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۴۶ بیشترین تأثیر و متغیر مدت دوره‌های آموزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۰۲ کمترین تأثیر را بر متغیر مهارت‌های کارآفرینانه دارند. در مورد روابط این متغیرها، می‌توان نتیجه را بدین شکل تفسیر کرد که به ازای افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر مدت دوره آموزشی، میزان رضایت از مهارت‌های کارآفرینانه ۰/۵۴۸ واحد انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت؛ و افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر تعداد دوره‌های آموزشی افزایش ۰/۲۳۸ واحدی انحراف استاندارد در مهارت‌های کارآفرینانه را به دنبال خواهد داشت.

جدول ۱۱- میزان تأثیر «مدت و تعداد دوره‌های آموزشی» بر «مهارت‌های کارآفرینانه»

متغیر	ضریب متغیر	ضریب بتا	آماره t	سطح معنی‌داری	نتیجه
ضریب ثابت	۲/۳۰۰				
مدت دوره	۰/۰۰۲	۰/۵۴۸	۵/۷۵۷	۰/۰۰۰	معنی دار است
تعداد دوره	۰/۰۴۶	۰/۲۳۸	۲/۴۹۴	۰/۰۱۴	معنی دار است

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تحلیل تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در.....

بنابراین، بر اساس نتایج تحلیل آزمون رگرسیون و آزمون تی، دوره‌های آموزشی در ایجاد کارآفرینی مؤثرند و مهارت‌های فنی را ارتقا می‌دهند و از این رو، یکی از راه‌های مناسب برای توسعه کارآفرینی روستایی و مهارت‌افزایی کارآفرینی به‌شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یکی از مباحث مهم و اساسی در کارآفرینی است. در شرایط کنونی، بخش چشمگیری از جمعیت فعال کشور فاقد مهارت و تخصص کافی برای انجام کار بوده و یا در بازار کار، حرفه‌ها و مهارت‌ها، از نظر سطح تخصص و اندوخته‌های فنی و تجربه، مطلوب و کارآمد نیستند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در قالب یک سازمان مستقل در کشور به نام «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای»، عرضه‌کننده انواع آموزش‌های مهارتی، خدماتی، فنی و... است. مطالعه حاضر به بررسی افراد آموزش‌دیده روستایی در سازمان فنی و حرفه‌ای در شهرستان جوین پرداخته است. بدین منظور، تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از صد نفر نمونه به‌صورت تمام‌شماری انجام گرفت. بر اساس نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، به‌جز مهارت ادراکی، دیگر مهارت‌های کارآفرینانه دارای حد بالا و حد پایین مثبت بودند، بدین معنی که میانگین جامعه در این مهارت‌ها بیشتر از مقدار مورد آزمون بوده است. البته مهارت ادراکی دارای حد بالا و حد پایین منفی بوده، بدین معنی که میانگین جامعه در این مهارت کمتر از مقدار مورد آزمون است. نتیجه آزمون تی مشخص می‌کند که در میان مهارت‌های یادشده، مهارت فنی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است؛ به‌دیگر سخن، پاسخ‌گویان در دوره‌های آموزشی از مهارت‌های فنی رضایت بیشتری داشته‌اند. همچنین، بررسی رابطه متغیرهای مدت و تعداد دوره‌های آموزشی با مهارت‌های کارآفرینانه نشان می‌دهد که بین مدت دوره‌های آموزشی، تعداد دوره‌های آموزشی و مهارت‌های کارآفرینانه رابطه معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که با افزایش مدت و تعداد دوره‌های آموزشی، مهارت‌های کارآفرینانه روستایی افزایش می‌یابد. افزون بر این، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $0/733$ بوده، که نشان‌دهنده وجود رابطه

همبستگی قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰/۵۲۷ است، نشان می‌دهد که ۵۲/۷ درصد از کل مهارت‌های کارآفرینانه در بین افراد مورد بررسی وابسته به دو متغیر مستقل یادشده است. تأثیر دو متغیر مدت و تعداد دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های کارآفرینانه معنی‌دار است. متغیر تعداد دوره‌های آموزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۴۶ بیشترین تأثیر و متغیر مدت دوره‌های آموزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۰۰۲ کمترین تأثیر را بر متغیر مهارت‌های کارآفرینانه دارند. در تفسیر روابط این متغیرها، می‌توان گفت که به ازای افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر مدت دوره آموزشی، میزان رضایت از مهارت‌های کارآفرینانه ۰/۵۴۸ واحد انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر تعداد دوره‌های آموزشی به افزایش ۰/۲۳۸ واحد انحراف استاندارد در مهارت‌های کارآفرینانه خواهد انجامید.

با توجه به نتایج آزمون تی، از میان مهارت‌های هفت‌گانه کارآفرینی، مهارت فنی (شامل شاخص‌های نوشتاری، ارتباطات کلامی، فناوری، توانایی سازمان‌دهی، مدیریت مشارکتی، نظارت یا ارزیابی محیط و مهارت شنیداری)، نسبت به سایر مهارت‌ها از وضعیت بهتری برخوردار است؛ به دیگر سخن، پاسخ‌گویان در دوره‌های آموزشی از مهارت‌های فنی رضایت بیشتری داشته‌اند. به‌منظور مقایسه نتایج تحقیق حاضر با پژوهش‌های پیشین، می‌توان به نتایج پژوهش یعقوبی فرانی و همکاران (Yaghoubi Farani et al, 2013) با عنوان «تأثیر عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی» اشاره کرد که بر اساس نتایج آن، عوامل آموزشی و نهادی ۳۵/۵ درصد از تغییرات مربوط به کارآفرینی زنان روستایی را تبیین می‌کنند؛ به دیگر سخن، تأثیر این عوامل در کارآفرینی زنان روستایی ۳۵/۵ درصد بوده است. در تحقیق حاضر نیز نتایج نشان می‌دهد که افزایش تعداد و مدت دوره‌های آموزشی موجب افزایش مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان جوین به برنامه‌ریزی در زمینه مهارت‌های دیگر نیز بپردازد و تدابیری را برای ارتقای کیفی دوره‌ها بیندیشد. همچنین، با توجه به نتایج آزمون رگرسیون مبنی بر اینکه با افزایش

تعداد و مدت دوره‌های آموزشی، مهارت‌های کارآفرینانه روستاییان افزایش می‌یابد، یکی از راهکارها در زمینه افزایش مهارت‌های روستاییان را می‌توان برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی بیشتر و با کیفیت بهتر و نیز افزایش مدت‌زمان دوره‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های کارآفرینی روستاییان دانست.

منابع

1. A group of Management Professors (2000). Resistance to change. Tehran: State Management Training Center. (Persian)
2. Ahmadpour Dariani, M. and Azizi, S.M. (2004). Entrepreneurship, Tehran: Mehrab Ghalam Publishing. (Persian)
3. Ahmadpour Dariani, M. (2000). Entrepreneurship (definitions, theories, patterns). Tehran: Pardis Publications. (Persian)
4. Alagheband, A. (1999). Theoretical foundations and principles of educational management. Tehran: Ravan Publications. (Persian)
5. Alagheband, A. (2000). Introduction to educational management. Tehran: Ravan Publications. (Persian)
6. Alavi, S.A. (1998). Psychology of management and organization. Tehran: Public Management Training Center. (Persian)
7. Badawi, A.A. (2011). Creating the ecosystems for entrepreneurship success: technology parks. Presentation for Conference on Entrepreneurship for Scientists, Amman, 20-24 March 2011.
8. Barker, J.A. (2001). Future edge] paradigms: the business of discovering the future. Translated by N. Khadembashi. Tehran: Isiran Institute. (Persian)
9. Emami, M.R. and Saeedi, M. (2005). The role and importance of technical and vocational education in self-employment development and entrepreneurship. *Labor and Society Monthly*, No. 81-82. (Persian)
10. Eslam, A.A. (2003). Marketing planning. Tehran: Commercial Printing and Publishing Company. (Persian)
11. European Union (2012). Effects and impact of entrepreneurship programmes in higher education. Report under the Competitiveness and Innovation Framework program which aims to encourage European companies to compete.
12. Faraji Sabokbar, H.A., Badri, S.A., Sojasi Qidari, H. Sadeghloo, T. and Shahdadi Khajeh-Asgar, A. (2011). Prioritizing entrepreneurship

- development in rural areas using prometheus technique (Khodabandeh suburbs, Zanjan province). *Journal of Human Geography Research*, 43(75): 58-68. (Persian)
13. Ferris, G.R., Blicke, G., Schneider, P.B., Kramer, J., Zettler, I., Solga, J., Noethen, D. and Meurs, G. (2008). Political skill construct and criterion-related validation: a two-study investigation. *Journal of Managerial Psychology*, 23(7): 744-771.
 14. Figueroa-Armijos, M., Dabson, B. and Johnson, T.G. (2012). Rural entrepreneurship in a time of recession. *Entrepreneurship Research Journal*, 2(1): 1-29.
 15. Garavan, Th. and Cinneide, B. (1994). Entrepreneurship, education and training programmers review evaluation. *Journal Industrial Training*, 18(8): 5-15.
 16. Grove, A. (2001). A summary of the book 'Only the paranoid survive: how to exploit the crisis points challenge every company and career'. Translated by A. Rezaeinejad. Tehran: Nashr-e Fara. (Persian)
 17. Harvey, D. and Brown, D. (1998). An empirical approach to organizational development (transformation management). Translated by A. Mohammadzadeh. Tehran: Public Management Training Center. (Persian)
 18. Hegi, J.E. (2003). The seven secrets of effective communication in business. Translated by H. Nasiri Gheidari and H.R. Moradkhani, Tehran: Rasa Cultural Services Institute. (Persian)
 19. Heilig, J. (2009). European rural development. Luxemburg: International Institute for Applied System Analysis.
 20. Hersi, P. and Blanchard, K. (2000). Organizational behavior. Translated by A. Alagheband. Tehran: Amir Kabir Publications. (Persian)
 21. Higgins, J. (2002). Entrepreneurship: 101 creative problem solving techniques. Translated by M. Ahmadpour Dariani. Tehran: Amir Kabir Publications. (Persian)
 22. Hisrich, R.D. and Peters, M.P. (2004). Entrepreneurship. Translated by S.A. Faizbakhsh and H. Taghiari. Tehran: Scientific Publications of Sharif University of Technology. (Persian)
 23. Kalyani, B. and Kumar, D. (2011). Motivational factors, entrepreneurship and education: a study with reference to women in SMEs. *Far East Journal of Psychology and Business*, 3(3): 14-35.
 24. Karami, M. and Goodarzi, A. (2003). Skills of effective managers. Tehran: Ministry of Labor and Social Affairs. (Persian)
 25. Karimi, A., Bankipour, B. and Ahmadpour Dariani, M. (2014). Analysis of small and medium business development mechanisms (case study: Qazvin

- small and medium businesses). *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(2): 305-326. (Persian)
26. Kolagar, P. and Aghaei, M. (2014). A study of the role of agricultural entrepreneurship in rural development. Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 1(1): 61-83. (Persian)
27. Maddox, R. (2003). Team building. Translated by R. Eskandari, Iran Institute of Publications. (Persian)
28. Mourshed, M., Diana, F. and Dominic, B. (2013). Education to employment: designing a system that works. McKinsey and Company.
29. Najafi Kani, A., Hesam, M. and Ashour, H. (2015). Assessing the status of entrepreneurship development in rural areas (case: south Astarabad rural district in Gorgan. *Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development*, 4(11): 37-56. (Persian)
30. Najjarzadeh, M., Torabi, Z. and Malekan, A. (2017). The effect of social capital on good and sustainable governance of rural communities with the role of cultural capital adjustment (case study: Kangavar County). *Journal of Spatial Planning (Geography)*, 7(3): 25-40. (Persian)
31. Nazari, M. (2003). From zero to infinite. *Entrepreneurs Way*, No. 2. (Persian)
32. Niskanen, A. (2007). Forest-base entrepreneurship and rural development in Europe. IUFRO European Congress 2007: Forestry in the Context of Rural Development, Warsaw.
33. Pirnia, A. (2003). Strategic systems planning management. Tehran: Iran Publications. (Persian)
34. Robin, S. (2003). The golden key to human resource management. Translated by Gh.H. Khaleghani. Tehran: Fara Cultural Organization. (Persian)
35. Salimi, J. (2014). Technical and vocational education, manpower and entrepreneurship (case study of technical and vocational education in Kurdistan province). *Quarterly Journal of Skills Training*, 2(8): 7-24. (Persian)
36. Shabani, H. (1998). Teaching methods and techniques. Tehran: Samat Publications. (Persian)
37. Shekari, A. and Heidarzadeh Arani, S. (2011). Evaluation of the effectiveness of insurance professional training on the performance of employees of insurance companies in terms of entrepreneurial skills (case studies: Isfahan province). *Journal of Entrepreneurship Development*, 4(13): 109-128. (Persian)

38. Steffen, K., Sabine, M. and Hanne, T. (2015). Rural entrepreneurship or entrepreneurship in the rural – between place and space. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 21(1): 5-26.
39. Stoner, J., Zi, F.R., Edward, G. and Daniel, R. (2000). Management. Translated by A. Parsian and S.M. Arabi. Tehran: Cultural Research Office Publications. (Persian)
40. UNESCO (2008). Technical and vocational education and training. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Available at <http://www.UNESCO.org/education/technical-and-vocational-education-and-training.pdf>. Retrieved at 20 June, 2018.
41. UNESCO (2011). Education for sustainable development. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Available at <http://www.unesco.org/new/en/education/themes/leading-the-international-agenda/education-for-sustainable-development>. Retrieved at 20 November, 2018.
42. Volkmann, C., Wilson, K.E., Mariotti, S., Rabuzzi, D., Vyakarnam, S. and Sepulveda, A. (2009). Educating the next wave of entrepreneurs: unlocking entrepreneurial capabilities to meet the global challenges of the 21st century. Report on Entrepreneurship Education, World Economic Forum, Switzerland.
43. Yaghoubi Farani, A., Soleimani, A. Movahedi, R. and Eskandari, F. (2013). The impact of educational and institutional factors on rural women entrepreneurship (case study: Hamadan province). *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2): 115-134. (Persian)
44. Zeinabadi, H. and Parand, K. (2013). Technical and vocational education and employment in Iran. Tehran: Technical and Vocational Education Organization. (Persian)
45. Zeratpisheh, Z., Shafiei, M.J., Mousavizadeh, F., Samimi, Kh. and Kananidoust, B. (2015). The role of entrepreneurial skills in the development of rural women's employment (case study: Kazeroun villages). *Skills Journal*, 4(13): 111-124. (Persian)
46. Ziene, M., Karla, B. and Carol, K. (2018). The roles of social entrepreneurs in rural destination development. *Journal Annals of Tourism Research*, 68(12):77-88.
47. Zoltan, G.X. (2004). Small industries and economic growth, In: The role of small industries in modern economics. Translated by J. Majidi. Tehran: Saba Cultural and Artistic Institute. (Persian)